

غالب

[سهمِ گوهرشاد بیگم در هویت بخشی زنان]

نگارنده: غلام رسول رحمانی^۱

چکیده

دوران تیموریان، به لحاظ فرهنگی، ادبی و هنری، از دوره‌های مهم تاریخ سرزمین ما به حساب می‌آید. نقطه عطف این دوران، برابری با زمامداری شاهرخ میرزا، در این میان عده زیادی هم در دربار و هم در حاکمیت، فعالیت‌های فراوانی جهت اعتلای فرهنگ و ادب داشتند. از نقش‌آفرینی مردانی چون جامی، امیرعلی شیر نوایی، کاشفی و ...، که بگذریم، نقش خانم‌های دربار نیز درنگ‌کردنی است. گوهرشاد بیگم، شناخته‌ترین خاتون‌های دربار و دارای فعالیت‌های مختلف در این عصر است. هدف این پژوهش آن بوده است تا به این پرسش پاسخ بگوید که: سهم گوهرشاد بیگم در هویت بخشی زنان، به عنوان نیمی از جامعه انسانی هم در روزگار او و هم پس از او چه گونه بوده است؟

یافته‌های نگارنده که با شیوه بنیادی - کاربردی و با ابزار کتاب‌خانه‌یی شکل یافته، بیان گر آن است که: گوهرشاد بیگم در طول حیات خود، توانسته چهره‌یی متفاوت از زن را در قرن نهم و اوایل قرن دهم به نمایش گذارد. او زن را در سیاست، معماری، هنر، کارها و فعالیت‌های اجتماعی - مدنی، دارای هویتی نو و مانده‌گار می‌کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند زن امروز جامعه ما را در الگوگیری یاری رساند و در جهت‌دهی فعالیت‌های تساوی‌خواهی اجتماعی‌شان، برگ‌رهنمای خوبی باشد.

واژه‌گان کلیدی: گوهرشاد بیگم، هویت بخشی زنان، عصر تیموری، هنر، ادبیات و سیاست.

^۱ کادر اداری و علمی پوهنتون غالب هرات

مقدمه

سرزمین ما، این خطه پُرمزوراز، دوره‌های پُرفراز و فرودی را تجربه کرده‌است. دربارهای سلاطین آن هم‌واره جایی برای هم‌سوایی و تقابل اندیشه‌های گوناگون بوده، در این میان، دوره تیموریان، به جهت شکل‌گیری مکتب ادبی و هنری هرات، دوره‌ی ممتاز در تاریخ میهن ماست.

دوره تیموریان، پس از پایان دوران ایلخانی‌ها، در آخرین سال‌های قرن هشتم، با سرکرده‌گی شخص تیمور آغاز و تا اوایل قرن دهم هجری ادامه می‌یابد. در این دوره، با آن‌که حرف و حدیث‌هایی به ارتباط خود شخصیت تیمور وجود دارد؛ با آن‌هم، توجه او به هنرمندان و گردآوری آنان در سمرقند، حکایت از فرهنگ دوستی و هنرپروری او دارد؛ با مرگ او و انتقال مرکز سلطنت به هرات، شاهرخ میرزا، همه ویرانی‌های گذشته‌گان خود را جبران می‌کند. در دست‌گاه شاهرخ، بزرگان زیادی بودند که در سیاست‌گذاری‌های او دخیل بودند، در میان همه آنان، نام گوهرشاد بیگم، همسر او، پُررنگ‌است. گوهرشاد بیگم، به‌عنوان طراح اصلی سیاست‌گذاری‌های مختلف شاهرخ میرزا، از زن آن قرنی، چهره‌ی متفاوت می‌نماید.

در ارتباط به برخی ویژه‌گی‌های شخصیتی گوهرشاد بیگم، ضمن تاریخ‌های ادبی و روایی، مقاله‌هایی چند به نگارش آمده‌است؛ به گونه مثال:

«گوهرشاد بیگم، الگوی زن مهاجر»، عنوان مقاله‌ی است از سهیلا حسن‌زاده، که در سال ۱۳۹۷ در شماره هشتم، سال پنجم، دوفصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات پژوهشی زنان در ایران به چاپ رسیده‌است. نگارنده در این نوشته، گوهرشاد بیگم را زنی مهاجر می‌داند، که در مکانی دیگر مسکن‌گزین می‌شود و با تلاش پی‌گیر، از خود نامی نیکو به یادگار می‌گذارد.

«نقش زنان در منازعات سیاسی دوره تیموری»، مقاله‌ی است از علی غفرانی، مصطفی گوهری و سید هادی ذبیحی به سال ۱۳۹۴، در شماره ۱۹، سال ششم نشراتی فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران به چاپ رسیده‌است. نویسندگان این مقاله، از گوهرشاد بیگم به‌عنوان اثرگذارترین زن دربار شاهرخ میرزا یاد می‌کند.

«نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری»، مقاله‌ی است از مهناز شایسته‌فر، که به سال ۱۳۸۸، در ایران، در نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم به چاپ رسیده‌است. نگارنده در این مقاله، گوهرشاد را به سبب ساخت‌وسازهای او، یکی از بانیان مهم در گسترش معماری عصر تیموری معرفی می‌کند.

مسجد و موقوفات گوهرشاد، عنوان کتابی است از سید مهدی سیدی، که در تهران و از سوی بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف ایران به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب با تمرکز بر موقوفات این بانوی بزرگوار، در مورد شخصیت او نیز سخنان کوتاهی آورده است.

نیز در کتاب‌های **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**، نوشته معین الدین محمد زمچی اسفزاری، **تاریخ ادبیات در ایران**، نوشته ذبیح‌الله صفا، **تاریخ حبیب‌السیر**، نوشته غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی خواندمیر، **ظفرنامه** نظام‌الدین شامی و ... از این بانوی علم‌پرور یاد شده است؛ اما این نخستین نوشته‌یی است که از این منظر - سهم گوهرشاد بیگم در هویت بخشی زنان - شخصیت گوهرشاد بیگم را به مطالعه گرفته است.

این تحقیق بنیادی - کاربردی، داده‌های کیفی را با استفاده از ابزار کتاب‌خانه‌یی گردآورده و قصد داشته است تا بدین پرسش پاسخ درخور بدهد که: سهم گوهرشاد بیگم در هویت بخشی زنان چه گونه بوده است؟

گوهرشاد بیگم، به عنوان بانوی اول دربار، توانسته در جامعه‌یی که نگاه کلی به زن، نگاهی نسبتاً عنعنه‌یی بوده است، چهره‌یی متفاوت از زن به نمایش بگذارد. گوهرشاد بیگم، نماینده زانی است که تب‌وتاب زنانه‌اش را در آبادانی پایه‌های اساسی فرهنگ، هنر و ادب می‌گذارد و چون مادری فهیم، اولادی هنرمند و هنردوست تقدیم جامعه می‌کند.

در این پژوهش، برای آن که بتوانیم نتیجه‌یی درست‌تر به دست بیاوریم و پاسخی قناعت‌بخش‌تر به دست دهیم، ابتدا دوران حاکمیت تیمور را بیان داشتیم؛ سپس با ترسیم وضعیت موجود آن زمان، به جای گاه زن در آن عصر نگاهی توجه داشتیم و در اخیر، از دریچه‌هایی چند، نگاهی انداخته شده به ویژه‌گی‌های شخصیتی گوهرشاد بیگم. گفت‌وگوی بحث را لازمه‌یی دانستیم، که می‌بایست وجود می‌داشت و در پایان نتیجه‌گیری موضوع را تقدیم خواننده گرامی می‌نماییم.

تیمور و حکومت او

حکومت تیموریان، یکی از حاکمیت‌های متفاوتی است که سرزمین کهن ما دیده است. این دوران با ویران‌گری آغاز، اما با آبادانی بدرود حیات گفت؛ هم‌چنان که شخصیت تیمور هر خواننده تاریخ را متعجب می‌گرداند، معجونی ویرانی و آبادانی نیز خود تأمل‌برانگیز است؛ به‌هرحال، تیمور گورکانی سر سلسله تیموریان، از سال ۷۰۸، که به فتح کامل ایران کهن نایل گردید و بر تمام ترکستان دست یافت؛ چون از ذوق هنری و صنعتی بی‌نصیب نبود، هر جا هنرمندان و صنعت‌گرانی سراغ می‌کرد، آنان را به سمرقند و ترکستان می‌کوچانید. اندکی بعد که پایتخت تیموریان از سمرقند به

ہرات منتقل گردید، مجموع این صنعت گران نیز به پایتخت جدید راه یافتند و بہ تدریج با تشویق شاہان تیموری در این شہر، مکتب مخصوص ہرات را در صنایع گوناگون بہ وجود آوردند۔ تقریباً می توان گفت: تمام شاہان دودمان تیمور ہنرمند و مشوق استادان رشتہ های صنایع مختلف بودہ اند۔ شاہرخ یکی از سلاطین این سلسلہ است، کہ موفقیت او در صنایع این زمان بیش تر مدیون زن نیکوکار و بالیاقش گوہر شاد آغا است (صمدی؛ بی تا: ۵۱۰)۔ ذبیح اللہ صفا، نگارندہ تاریخ ادبیات در ایران، از شخصیت تیمور شگفت زده شدہ و چنین داوری می کند:

وی مردی بود بلندہمت، دلیر، قوی پنجه، لشکرکش و لشکرشکن؛ اما در سخت گیری و سخت کُشی، بالادست نداشت، قتل عام های او در بلاد خراسان و عراق عجم و شام و روم و ہند معروف است و عجیب است کہ بالین ہمہ، او باری نسبت بہ زہاد و مشایخ صوفیہ و سادات، ارادت می ورزید؛ بہر حال، معجونی بود شگفت انگیز از متناقضات، ہم دعوی عدالت داشت و ہم تظاہر بہ دین داری می کرد و ہم مردم بی گناہ را، بہ بہانہ این کہ امیری سرکش یا عصیان گری پرخاش جوی از میانہ آنان برخاستہ بود، ہفتاد ہزار و صد ہزار از دم تیغ می گذراندی؛ و ہم ہر شہر را پُر ثروت می یافت با بہانہ هایی کہ می جُست، بہ باد غارت، می داد۔ جہان گیری بود چالاک و سفاکی بود بی باک، نہ سرداران و مردان مدبری برگرد خود داشت و نہ فرزندان لایقی از عقب؛ فتوحاتش را، اگر بہ دقت بنگریم، خالی از نظم کامل و نقشہ مرتب می یابیم، با آن کہ فرصت کافی برای تقویت اوضاع ممالک مفتوح داشت، چنین کاری را جز با رعب تیغ و ہیمنہ کشتار بی دریغ انجام نداد؛ و بہ ہمین جہات دولت مقتدر و ممالک پهناروش بعد از مرگ او درہم ریخت و چنان بی نظمی در آن حاصل شد، کہ حتا تدبیرہا و جنگ آوری های شاہرخ ہم نتوانست نظام از دست رفتہ آن را چنان کہ باید بازگرداند و از تجربہ حتمی آن، جز در همان روزگار شاہرخ، پیش گیری نماید (۱۳۶۴: ج ۴ / ۵)۔

بہ ہر روی، تیمور خود نیز پس از فتح و انتخاب سمرقند بہ عنوان مرکز حاکمیت خود، آبادانی های فراوانی در آن شہر انجام داد۔ کم کم او و تبار او در این تمدن آریایی حل گردیدند و خوی و عادت این مردمان را گرفتند و مسبب آن شدند تا دوران حاکمیت آنان با تمام حرف و حدیث ہا، دورہ بی قابل درنگ از جہتِ فرہنگ، ہنر و ادب شود۔

دین مداری تیموریان

دولت های کوچک منطقہ یی مغولی، کہ کم و بیش بہ دین آبا و اجدادی وفادار بودند، دریافتند کہ با اتکا بہ ملل اسلامی تحت انقیاد، بہ تر می توانند بہ خواستہ خود دست یابند؛ از این رو، زودتر از

ایلخانان به اسلام روی آورده، با فرهنگ اسلامی خو گرفتند. اولین خان‌های فرمان‌روا در اولوس جوجی رسماً اسلام را پذیرفته، با حربهٔ دین به جنگ‌های خود که انگیزه‌های سیاسی و به‌خصوص اقتصادی داشت، نیروی مؤثرتری بخشیدند. در این دوران، جنگ با شدت در دو جبههٔ شرق و غرب ایران کُهن در جریان بوده، در هر دو جبهه تقریباً رنگ «جهاد» به خود گرفته بود (بیانی؛ ۱۳۸۲: ۳). در دورهٔ تیموری، سیاست عدم تعصب به مذهب، که در دربار بسیاری از ایلخانان، اتخاذ شده و کم‌کم در سراسر اجتماع بسط یافته بود، ادامه نیافت. در این دوره، روح مذهبی بیش‌ازپیش تقویت شد؛ و ادیان و مذاهب غیر اسلامی، به درجه‌یی از ضعف رسیدند که نمی‌توانستند، در اذهان و افکار مردمی اثری داشته باشند. حکومت تیموریان، متکی بر قوانین اسلام بود. تدین و تشویق و حمایت سلاطین تیموری از دین‌داری نیز، در تقویت روحیهٔ دینی مؤثر بود (شایسته‌فر؛ ۱۳۸۵: ۱۰۱). با آن‌همه، در دورهٔ شاهرخ سعی گردید تا بین مذاهب اسلامی، روابطی حسنه برقرار گردد؛ چنان‌که خانم او در مشهد اماکن مذهبی می‌سازد. کاشفی روضه‌الشهدا را به نگارش درمی‌آورد و دیگر فعالیت‌ها، که همه و همه دین‌مداری منهای سوگیری‌های مذهبی را می‌رساند. شور و شوقی که برای اعتلای فرهنگ در این دوران ایجاد گردیده بود، مناقشات مذهبی را به تعاملات مذهبی بدل کرده بود.

وضع علوم در دوران تیموری

وضع علوم و انتشار یا عدم انتشار آن را در دوران بعد از مغول و خاصه بعد از قرن هشتم از دو جنبه می‌توان مطالعه کرد: از جنبهٔ کمیت و یا وضع ظاهری آن و از جنبهٔ کیفیت یا وضع معنوی آن. اگر علوم را در قرن نهم و آغاز قرن دهم به لحاظ ظاهری آن نگاه کنیم، وضع مطلوبی داشت و اگر مقصود وضع معنوی آن، یعنی پیشرفت واقعی به سبب تفکرات نو و ابتکارات و تألیفات مهم و پایدار باشد، عکس قضیه صادق است، که البته این سخن بیش‌تر در مورد ادبیات صادق است؛ اما در حوزهٔ هنر، کمال‌الدین بهزاد، مکتب هنری هرات را ایجاد می‌کند. در حوزهٔ معماری، هنر معماری اسلامی رونق خاصی می‌یابد؛ اگرچه در ادبیات نیز در این دوره بزرگانی چون جامی و کاشفی سراغ داریم؛ اما خوب است که ضمن تأیید مکتب ادبی در این عصر، آن را دورهٔ شرح و توضیح نام گذاریم؛ به‌هرروی، توجه به دانش در این عصر، درخور ستایش و تأمل کردنی است.

بذل همت تیموریان نسبت به کتاب و به کتاب‌خانه، از مسائلی است که فراموش کردن آن نوعی از بی‌انصافی خواهد بود. شاهان و شاهزاده‌گان و رجال و حکام این دولت تقریباً همه‌گی دوست‌دار کتاب و کتاب‌خانه بودند؛ اما در میان‌شان کسانی مانند

شاہرخ، بایسنقر، الغبیک و سلطان حسین در این راہ کار را بہ مبالغہ می کشانیدند.
دربارہٴ بایسنقر نوشتہ اند کہ ہموارہ چہل خطاط در دست گاہ خود داشت (صفا؛ ۱۳۶۴:
ج ۴ / ۱۲).

این دوران، ہم چنان دوران کلاسیک ادبیات ما بہ حساب می آید. نویسندہ گان و پدیدآورندہ گان
فرآورده های ذهنی، احساسی و تأملی این دورہ، بہ تبع گذشتہ گان، از دانش دایرۃ المعارفی برخوردار
بودند. مولانا جامی ہم چنان کہ عالم است، ادیب، شاعر، منجم، ریاضی دان و ... نیز هست، کاشفی
ہم چنان کہ تفسیر مواہب علیہ را می نگارد، انوار سہیلی، اخلاق محسنی، روضۃ الشہداء و ... را بہ
رشتہٴ تحریر درمی آورد. روی این حساب است کہ می توان وضعیت دانش و علوم را در این عہد، نسبتاً
خوب ارزیابی نمود.

تعلیم و تربیت در دوران تیموری

نہادہای فرهنگی و بہ تعبیری نہادہای آموزشی را در عہد تیموری در ہرات می توان بہ دودستہ
تقسیم نمود: نہادہای مدنی - فرهنگی غیررسمی و نہادہای مدنی - فرهنگی رسمی.
در این دوران، آموزش فقط بہ نہادہای رسمی اختصاص نداشت؛ بل کہ در تمامی جامعہ گسترش
یافتہ بود. بازارها و محلات ہرات ازجملہ مراکز مدنی - فرهنگی بہ شمار می آمدند. محلہ های ہرات،
دُکان های مختلف و ... محل اجتماع شاعران و گفت و گوہای ادبی بود؛ در برخی از منابع تاریخی در
این دوران آمدہ است، کہ بازارها محل اجتماع و ہرنامی ہنرمندان و صنعت گران بود و در حقیقت
جریان طبیعی فرهنگ از این مجاری غیررسمی آغاز و خود را بہ سطح نہادہای رسمی رساند.
باید از خانقاہا، مساجد، مدارس و کتاب خانہ ہا بہ عنوان مہم ترین نہادہای رسمی آموزش یاد
کرد. جریان فرهنگ در ہر یک از این نہادہا بسیار پویا، ہدایت شدہ و سامان یافتہ بود. در این گونه
مراکز، دانش آموزان، دانش جویان، صوفیان، ہنرمندان و عالمان بہ صورت پیوستہ فعالیت علمی داشتہ
و حکومت، خود بہ ادارۃ آنان ہمت می گمارد. درواقع جریان های فرهنگی از این نہادہای رسمی آغاز
گردید و بہ تدریج شکل گرفت. خانقاہا مرکز گردآمدن صوفیان و عرفا و پدیدآمدن جریان فرهنگی
تصوف بود و نہادہای دیگری چون مدارس و کتاب خانہ ہا، موجد مکتب ادبی و ہنری ہرات شدند
(مجتبوی؛ ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۶).

حمایت حاکمان و خاتون های دربار، ازجملہ عواملی بود کہ ہمہ را تشویق می نمود تا تعلیم و
تربیت را در ہر موقعیتی کہ قرار دارند، نخستین وظیفہٴ خود بدانند. دانش آموز و دانش جوی این دورہ،
دارای فکری دایرۃ المعارفی تربیت می شد. جو سازندہ گی و دانش گرایی، پس از استقرار حاکمیت

تیموریان و مخصوصاً دوره سلطنت شاهرخ میرزا، نمی گذاشت اندیشه، به غیر دانش مشغول باشد و جز این کاری نکند.

وضعیت زنان در دوران تیموریان

دوره تیموری، یکی از درخشان ترین ادوار تاریخی برای بانوان ایران کهن، در تمامی شئون اجتماعی بوده است. حضور بانوان در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نشان دهنده قدرت و نفوذ آن ها و همچنین تغییر نگرش جامعه به نقش و جایگاه اجتماعی آنان در این دوره دارد. هنر نگارگری نیز تحت تأثیر رویکرد ویژه حاکمان و رونق فضای فرهنگی به اوج شکوفایی خود رسید و در این راستا نگارگران خراسان زمین آثاری را خلق نمودند که در آن بانوان حضور چشم گیری دارند (رضانژادیزدی و هم کاران؛ ۱۳۹۶: ۲).

در جوامع قبیله ای، زنان به لحاظ مشارکت در امور زنده گی، دارای موقعیت مناسبی هستند؛ به همین سبب در میان قبایل ترک نیز مانند مغول ها، زنان احترامی خاص داشتند و زن و مرد از حقوق و امتیازات مساوی برخوردار بودند. زنان در اداره امور خانواده، معیشت و مسائل گوناگون، از جمله مشارکت در جنگ، هم راه و هم کار مردان قبیله و پایه پای آنان در تلاش و تکاپو بودند. در قانون مغول این امتیاز مسجل بوده است:

اگر زنی نزد امیر برود و از او در مورد جزای خود یا خویشانش عفو بخواهد، به خاطر احترام زنان، اگر جرم کوچک باشد، بخشوده می شود. در صورت سنگین بودن جرم مجازات به نصف تقلیل می یابد (به نقل از اصفهانیان: ۱۳۹۱/ ۱۲ / ۰۲).

هارولد المب، مستشرق معروف نیز درباره خصوصیات بانوان این عصر چنین آورده است:

در آن روزها زنان تاتار بی پرده حرکت می کردند. حرم و پرده نشینی میان زنان تاتار معمول نبود و با مردان خود بر پشت زین نشسته در سفرهای جنگی و زیارت مکه و گردش همراه بودند، از غرور و افتخار پدران فاتح خویش سهم می بردند و چون در هوای آزاد نشو و نمو یافته بودند، طبعاً نشاط و شادابی فوق العاده داشتند. مادران و جددهای آنان همه امور خانوادگی حتی دوشیدن شیر شتر و چکمه دوزی را به عهده می گرفتند. زنان تاتار در زمان تیمور حق مالکیت داشتند و جهاز و هدیه هایی که به آنان اعطا می گشت، متعلق به خودشان بود. آن ها برعکس زنان اروپایی هیچ گاه پشت کارگاه قلاب دوزی و قالی بافی نمی نشستند. زنان تاتار هم پای جنگ جویان به میدان می آمدند و در منزل مشغول بچه داری بودند و در جشن ها و شادی ها با شوهران شرکت می کردند و اگر مردان شان شکست می خوردند، زن ها جزو غنائم دیگر به اسارت می رفتند (همان جا).

در دربار تیمور، بانوان در کار و موفقیت حاکمان، تأثیر مهمی داشتند و هر یک از آنان در جای خود، وظایف مهمی به جای آورده اند. در دوران خود شخص تیمور، زنان در امور سیاسی دخالتی

نداشتند، تنها در برخی موارد موفق می‌شدند از خشم و غضب تیمور و زیاده‌روی در شقاوت و مجازات شاهزاده‌گان و اطرافیان بکاهند؛ اما با مرگ او و روی کارآمدن شاهرخ میرزا، بانوان حرم‌سرا این فرصت را می‌یابند که در تصمیم‌های کشوری نیز نقش داشته باشند.

از جمله وظایف بانوان درباری مشارکت در تربیت شاهزادگان تیموری بود. فرزندان خاندان سلطنت را پس از تولد و انجام مراسمی از والدین جدا می‌کردند و تحت نظارت یکی از بانوان بزرگ تربیت می‌شد.

کلاویخو در سفرنامه‌اش از برگزاری ضیافت بزرگی در سال ۸۰۷ هجری با حضور خود وی خبر می‌دهد، که در آن شاهزاده خانم‌ها اجازه داشتند که مستقلاً مجلس جشن و سرور با حضور مردان تشکیل دهند (همان‌جا).

حاصل سخن آن‌که زنان در ابتدای دوران حاکمیت تیموریان، تنها می‌توانستند در امور خانه‌داری و در برخی موارد در امور عفو و بخشش عرض‌اندام کنند؛ اما با روی کارآمدن اولاد تیمور و مخصوصاً شاهرخ میرزا؛ و با ورود گوهرشاد بیگم در خاندان سلطنتی، نقش زنان در این دوره رو به رشد می‌گذارد و هویت جدیدی از زن در جامعه معرفی می‌شود.

شاهرخ میرزا، مرد خوش‌نام تیموریان

کسی که قسمت اعظم ممالک تیموری را از سقوط و پریشانی نجات داد، شاهرخ است. او نسبتاً پادشاهی نیکونهاد و از جمله به‌ترین پادشاهان تیموری است. مردی بود دین‌دار، عادل، صلح‌جو، بخشنده، دوست‌دار علم و ادب، حامی عالمان و ادیبان و خواهان آبادی؛ و در همان حال لشکرکشی فاتح و کامیاب و شاعر و خوش‌نویس و هنردوست. او هرات را که مستقر حکومت و سلطنتش بود، باین‌همه خصائل که داشت، به‌صورت مرکزی فعال برای ادبیات و علوم و هنر درآورد و آن را محل اجتماع عالمان و ادیبان و شاعران و خطاطان و نقاشان ساخت؛ و تألیف کتب را تشویق کرد و به‌هرحال، وضعی در عهد خود به‌وجود آورد که بعد از او مدتی باقی ماند و باید گفت که از عوامل اساسی رونق ادبیات و هنر در عهد تیموری یکی همین پادشاه و توجهات خاصه اوست (صفا؛ ۱۳۶۴: ج ۴ / ۷).

وی ترمیم خرابی‌های پدرش و تجدید آبادانی شهرها و ایجاد مدارس و خانقاه‌ها را باعلاقه تمام پی‌گیری کرد. در یزد به همت او یا امیران و حاکمانش عمارات و بقاع جدید فراوانی برپا شد. شهر مرو را که پس از حمله مغول به‌مرور زمان ویران شده بود آبادان کرد، آب‌خیزهای شهر را تغییر داد و کشاورزی را رونق بخشیده مسجدها و بازارها و گرمابه‌ها و مدرسه‌ها و خانقاه‌های آن را مرمت کرد.

شهر هرات در عهد او به کمال آبادانی و شکوه و رونق خود رسید و بازارها و مدرسه‌ها و خانقاه‌ها و باغ‌ها و کوشک‌های بسیار در آن جا بنا گردید (سیدی؛ ۱۳۸۶: ۲۱).
شاهرخ میرزا، در دوره سلطنتش کم‌تر خود را مصروف جنگ و درگیری نمود؛ از این است که دوران حاکمیت او، نقطه عطفی در بالنده گی هنر و ادب نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است.

گوهرشاد بیگم و دربار

گوهرشاد بیگم، زوجه سلطان شاهرخ میرزا، فرزند و جای نشین امیر تیمور گورکانی، یکی از زنان نیکوکار و نام‌دار بوده است و «برین بقا خیر مستغلات خوب و اسباب مرغوب وقف کرده است» (اسفزاری؛ ۱۳۳۹: ۲ / ۲۹۵).

گوهرشاد بیگم، پس از مرگ شاهرخ میرزا در نهم ماه رمضان سال ۸۶۱، در عهد سلطنت ابوسعید میرزا درائتای غائله قیام میرزا ابوالقاسم بابر، به دسیسه جمعی از امرا و مشاوران سلطان ابوسعید به دستور آن پادشاه در شهر هرات مقتول گردید و در جنب قبر فرزندش شاهزاده بایسنقر میرزا در مسجد گوهرشاد بیگم هرات مدفون گردید و قبر او اکنون موجود است (همان‌جا).
او هم‌چنین نفوذ قابل توجهی در امور دولتی داشت. زمانی که شاهرخ درگیر لشکرکشی‌های طولانی مدت نظامی بود، گوهرشاد امور سیاسی و مدیریتی مملکت را برعهده گرفته بود (فرانکه؛ ۱۳۹۱: ۶۱).

دربار گوهرشاد همیشه جای شاعران و غزل‌سرایان بود. تاجایی که حتا ندیمان‌ش شاعر بودند. گوهرشاد همیشه به‌خاطر پیشرفت دانش و معرفت فرزندانش تلاش می‌کرد. آن‌ها را به علم‌دوستی و هنرپروری تشویق می‌نمود. وی به تاریخ و ادبیات علاقه‌مند بود و مهری هروی از زنان شاعر نام‌دار قرن نهم، مصاحب و ندیمه او بود (فقیهی؛ ۱۳۹۳: ۳۴۰ - ۳۳۹).

او در نزد امیر تیمور گورکان از مقام والایی برخوردار بود، که نظر به داشتن اوصاف حمیده و خصایل شاهانه در سال ۷۹۵ هجری قمری به عقد نکاح شاهرخ میرزای تیموری درآمد. او سه پسر و دو دختر داشت، پسران وی الغ بیگ میرزا، بایسنقر میرزا و میرزا محمد جوگی می‌باشند.

در تاریخ تیموریان نمونه‌هایی از نفوذ زنان درباری را در سیاست و در بعضی دیگر از امور می‌بینیم، در بین این زنان می‌توان از سرای ملک خانم و تومان آغا، هم‌سران تیمور و شادملک، همسر سلطان خلیل و گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ و فیروزه بیگم، مادر و خدیجه بیگم زن سلطان حسین بایقرا نام برد (میرجعفری؛ ۱۳۸۵: ۲۰۹).

گوهرشاد بیگم در حیات همسر تاج‌دارش شاهرخ میرزا در کمال عزت و احترام می‌زیست؛ چه علاوه بر احترامی که یک شه‌بانو برخوردار است، به واسطهٔ بلندی همت و سخاوت‌طبعی و آثار خیریهٔ خود، شهرت و معروفیتی هم‌راه با توقیر و ذکر جمیل در اکناف پیدا کرده بود (مدیرشانه‌چی؛ بی‌تا: ۹۸).

در کنار امیران تیموری، بسیاری از درباریان و اعضای این خاندان در توجه به هنر و هنرمندان گشاده‌دست بودند؛ چنان‌که با حمایت چند تن از هم‌سران تیمور و شاهرخ، بناهای بسیاری برپا شد. فرزندان شاهرخ نیز علاقه به فرهنگ و هنر را از پدر به ارث بردند و هریک نه‌تنها در پرورش و نوازش هنرمندان سعی بلیغ می‌کردند؛ بل که خود نیز به انواع هنرها آراسته بودند و از استادان طراز اول کم نداشتند (کاوسی؛ ۱۳۸۶: ۹۹).

او در امور سیاسی مشاوری بود زبردست، در امور فرهنگی، حامی دلسوز، در معماری علاقه‌مندی نیکونهاد. سعی می‌نمود به‌جای سخن، عمل کند و در دغدغه‌اش خدمت به طالبان علم بود. از همین‌روی است که هم‌واره در تلاش آبادانی و ساخت‌وساز بود.

ارادهٔ اصلاح‌گری گوهرشاد

گوهرشاد بیگم، با آن ثروتی که به ارث برده و نیز به‌عنوان بانوی اول مملکت آن زمان، ارادهٔ اصلاح‌گری خود را در کارهایی که انجام داده، به نمایش گذاشته است. تربیت فرزندان هنرمند و هنردوست، هم‌دمی او با مهری هروی و فرا اندیشی منطقه‌یی او، حکایت از عمق درک و ارادهٔ او برای اصلاح‌گری دارد. او در حوزهٔ ساخت‌وساز اماکن عبادی و درسی، می‌خواست مردم را به‌سوی دانش دعوت کند؛ «از آثار به‌جای مانده از او می‌توان به مسجد جامع گوهرشاد مشهد، دارالحفاظ و دارالسیادهٔ مجاور مرقد امام رضا، مسجد جامع و مدرسهٔ گوهرشاد در هرات اشاره کرد» (به‌نقل از شایسته‌فر؛ ۱۳۸۸: ۷۳).

گوهرشاد بیگم، چنان در این راه مسرانه و خسته‌گی‌ناپذیر حرکت می‌کرد تا عاقبت جان خویش را بر سر این معامله داد. در طول دوران حاکمیت تیموریان، اگر دیگر بانوانی نیز بودند که دست به اعمار مساجد و بناها زدند؛ اما هیچ‌کدام را نمی‌توان هم‌پای گوهرشاد بیگم دید که چنین حساب‌شده و آینده‌نگرانه عمل کند.

گوهرشاد بیگم و نواندیشی علمی

چنان‌چه دورهٔ حاکمیت شاهرخ میرزا را به‌عنوان دورهٔ نوزایی / رنسانس شرق بدانیم، بی‌گمان مهم‌ترین اقدام‌ها از آن گوهرشاد بیگم است. برای این‌که تبادُل اندیشه صورت گیرد، نخست باید

مکانی مهیا می گردید تا دانش مندان و پژوهشگران کنار هم جمع گردند و دانسته های شان را به اشتراک بگذارند و زمینه گفت و گوهای علمی را سبب شوند. گوهرشاد، چنین لازمی را درک کرده بود، دانش در دو حوزه ممکن بود، یکی مساجد / مدرسه و دیگری خانقاه ها، او با تمرکز بر اعمار مساجد، مدرسه گوهرشاد، دارالحفاظ و دارالسیاده، پایه های اصلی و اساسی نواندیشی علمی را مهیا ساخت.

گفت و گوی پژوهش

مسئله ها: در جامعه سنتی محور، مناسب ترین شیوه تجددگرایی چیست؟ در برخورد فرهنگ ها و تمدن ها، رشد از آن کدام است؟ مهاجران، چه سهمی در بازسازی سرزمین مهاجرپذیرنده دارند؟

پاسخ ها: گوهرشاد بیگم، در جامعه یی به عنوان بانوی اول دربار شناخته می شود، که نگاه غالب به ارزش ها، نگاهی سنتی محور است؛ سنتی که با درک نادرست مفاهیم دینی و مذهبی، زن را به عنوان مکاری غیرقابل اعتماد می پنداشت. او در میان سنت و تجددگرایی، باید به شیوه یی برخورد می کرد که حساسیتی غیرقابل قبول برنینگیزد، هم سنت گرا باشد و نیز سهمی در تجدد داشته باشد؛ لذا خوب دریافته بود که از دو حوزه گفتار و عمل، راه دوم، مناسب ترین شیوه تجددگرایی در چنین جامعه یی است. او با تلاش های پی گیر، دست به ساخت اماکنی زد که در آن ها تولید دانش و اندیشه می شد؛ مکان هایی که می توانستند نگاه مردمان را هدف قرار دهند و چهره یی نو از فعالیت های زنانه به نمایش گذارند.

این مسلم است که در برخورد تمدن ها و فرهنگ ها، پیروزی از آن فرهنگی است که نیازهای بیش تر ذاتی انسان را برآورده سازد. تیموریان و گوهرشاد بیگم، با ورود در فرهنگ غنی اسلامی - خراسانی، این مهم را درک کرده بودند، که داشته های این فرهنگ نو، می تواند آن ها را اغنا کند؛ بدین جهت است که تیموریان در فرهنگ اسلامی - خراسانی حل می شوند و خود در راه به ترشدن آن نیز تلاش می کنند.

سوا ی همه گپ و گفت هایی که پیرامون مهاجرت وجود دارد؛ یک نکته را نمی توان انکار نمود؛ و آن سازنده گی مهاجران در سرزمین مهاجرپذیرنده است. تیموریان، به عنوان مهاجران - جدای از شیوه مهاجرت شان - وارده شده در خراسان زمین، برای پذیرفته شدن در این محیط، نیاز به تلاش مضاعف داشتند: یکی تلاش برای هم سویی با اعتقادات مردم و دو دیگر، تلاش برای انجام فعالیت های بیش تر از خود مردمان این دیار؛ آنان این نقش را به خوبی دریافته بودند و به نیکی نیز در زمان شاهرخ انجامش دادند. هر مهاجری برای پذیرفته شدن در سرزمین دوم، نیاز به تلاش دو برابر دارد،

یکی تلاش برای هم‌سویی با مردمان، دیگر تلاش برای دریافت جای‌گاه. انگار خاندان تیمور این را در زمان شاهرخ میرزا دریافته بودند. گوهرشاد بیگم را می‌توان سفیر سازنده‌گی‌های تیموریان در هرات و مشهد نام نهاد.

نتیجه‌گیری

- نتایج پژوهش را به گونه‌ی نکته‌وار، چنین می‌شود بیان نمود:
- یکی از خصلت‌های نیکوی تیموریان، بهادهی آنان به زنان و فرصت‌دادن آنان جهت ساخت بناهای گوناگون و برپایی جشن‌ها و فعالیت‌های مدنی است؛
 - دوران شاهرخ میرزا، درخشان‌ترین مرحله‌ی حاکمیت تیموریان است، که هم مردی متقی بود و هم سیاست‌مداری نرم‌خو؛
 - برای شناخت گوهرشاد بیگم و اندیشه‌ی او، می‌توان به فعالیت‌های او نگاه کرد و اهمیت بناهایی که اساس گذاشته و نیز فرزندان که تربیت نموده است؛
 - گوهرشاد بیگم، با شناخت اندیشه‌ی حاکم بر اجتماع، به‌ترین راه را برای پُررنگ‌سازی نقش زنان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری عصر خود باز نمود؛
 - گوهرشاد بیگم پس از مرگ خود نیز به جهت فعالیت‌هایی که انجام داده است، هنوز که هنوز است، به‌عنوان الگویی مانده‌گار ایفای نقش می‌کند؛
 - گوهرشاد بیگم در سیاست‌ی کشوری نقشی پُررنگ و درنگ‌کردنی داشت و در بسیاری از موارد خود مستقیم به اداره‌ی امور می‌پرداخت؛
 - گوهرشاد بیگم از زن چهره‌ی ترسیم می‌کند که دارای این ویژه‌گی‌هاست:
 - در سیاست مشاوره‌ی قاطع و آینده‌بین است؛
 - در دانش و اندیشه، حامی‌ی است پُر تلاش؛
 - در اجتماع، فعالی است خسته‌گی‌ناپذیر؛
 - در تربیت فرزندان، وظیفه‌شناس و نقدشناس؛
 - در معماری، علاقه‌مندی خوش‌فکر.
 - زن امروز، می‌تواند با الگوگیری گوهرشاد بیگم، برای احقاق حق خود، آگاهانه و آینده‌بینانه گام بردارد؛ هم‌چون او اساس کارهایی را بنا نهد که می‌تواند جامعه را به‌سوی نیکویی و زیبایی رهنمون باشد.

سرچشمه‌ها

۱. اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی. (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. مصحح: محمد کاظم امام. جلد دوم. تهران: تهران.
۲. اصفهانیان، داوود. (۱۳۹۱ / ۱۲ / ۰۲). «وضعیت زنان در عصر تیموریان». ایران: روزنامه دنیای اقتصاد. تاریخ برداشت: شنبه، ۱۴ جدی ۱۳۹۸. از سایت: <https://donya-e-eqtesad.com>
۳. بیانی، شیرین. (۱۳۸۲). *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش گاهها (سمت).
۴. رضائزاد یزدی، الهه، سید ماهیار شریعت پناهی و اردشیر اسدیگی. (۱۳۹۶). «بررسی جای گاه اجتماعی بانوان با تأکید بر پوشش بانوان در نگاره‌های عصر تیموری». ایران: پژوهش نامه زنان. پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال هشتم. شماره اول. ص ۳۳-۱.
۵. سیدی، سید مهدی. (۱۳۸۶). *مسجد و موقوفات گوهرشاد*. چاپ اول. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
۶. شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۵). «جای گاه و نمود مذهب در نگارگری ایرانی (ایلخانی و تیموری)». ایران: دوفصل نامه مطالعات هنر اسلامی. سال سوم. شماره پنجم.
۷. شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۸). «نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی». ایران: نامه پژوهشی - فرهنگی. سال دهم. دوره سوم. شماره ششم. ص ۶۹-۹۹.
۸. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد چهارم. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی.
۹. صمدی، حبیب‌الله. (بی تا). «جامع گوهرشاد یا هشتمین بنای زیبای جهان». بی جا.
۱۰. فرانکه، اوتو. (۱۳۹۱). *هرات باستان و سفری در طول زمان*. با ترجمه حمید فهمی. هرات: نشر اسلمی.
۱۱. فقیهی، فضل الرحمن. (۱۳۹۳). *تاریخ ادبیات هرات از ظهور اسلام تا پایان عهد تیموریان*. رساله علمی - تحقیقی برای ترفیع به رتبه پوهنوالی. هرات: کتابخانه دانش کده ادبیات دانش گاه هرات.
۱۲. کاوسی، ولی الله. (۱۳۸۶). «علی شیر نوایی، در مقام حامی هنر». ایران: فصل نامه گلستان هنر. سال سوم. سلسله ۷. شماره اول.

۱۳. مجتبیوی، سید حسین. (۱۳۸۹). **هرات در عهد تیموریان**. چاپ اول. تهران: نشر مرندیز.

۱۴. مدیرشانه‌چی، کاظم. (بی‌تا). «**گوهرشاد**». مشهد: نامه آستان قدس. شماره سوم. دور هشتم. ص ۹۰-۱۰۹.

۱۵. میرجعفری، حسین. (۱۳۸۵). «**تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و**

فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان». چاپ پنجم، شماره انتشار ۴۶۰، نشر: دانش‌گاه اصفهان.